

ميلاد مسيح



کلیه حقوق این اثر متعلق به وب سایت
www.irancatholic.com
می باشد.

خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را تقدیم کرد.

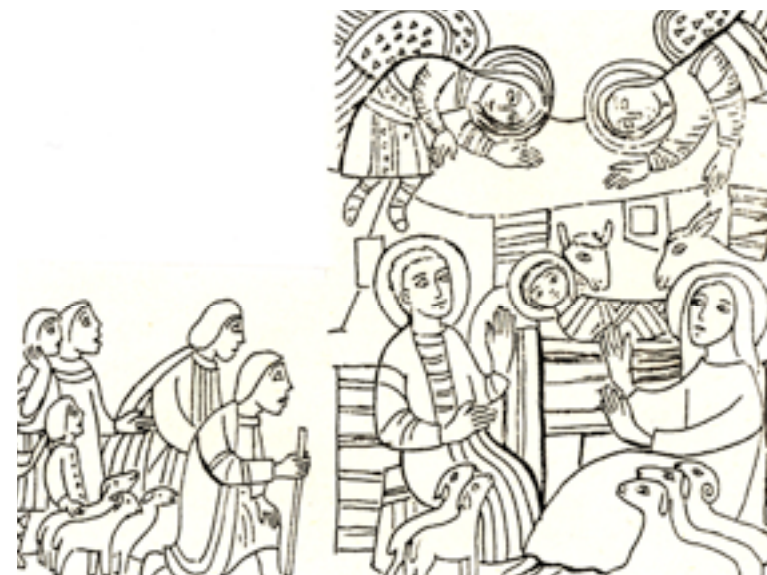


عیسی پسر خدا به دنیا آمد و انسان شد تا انسانها فرزندان خدا شوند

اولیاء عزیز،

این صفحه مربوط به فرزندان شماست.

می توانید کودکان خود را کمک کنید تا این نقاشی ها را رنگ آمیزی کرده
آخوری را که مسیح در آن به دنیا آمد بسازند.



من برای شما مژده ای دارم:

امروز نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است

که مسیح و خداوند است

فهرست

.....	مقدمه
.....	باردار شدن حضرت مریم طبق انجیل متی
.....	باردار شدن حضرت مریم طبق انجیل لوقا
.....	ملاقات در بیت لحم
.....	سخنی درباره مار اپرم
.....	باردار شدن حضرت مریم توسط روح القدس (طبق تفسیر مار اپرم از انجیل)
.....	سرودهایی از مار اپرم
.....	تفسیر شمایل سریانی تولد عیسی
.....	چرا عید میلاد را در زمستان جشن می‌گیریم؟
.....	سرود عید میلاد (از آیین مذهبی ارامنه)
.....	خداوند در میان ما ظهور کرد (تفسیر شمایل)

مقدمه

مؤمنین عزیز و دوستان گرامی،

کتابی که در دست دارید به شما کمک خواهد نمود تا معنی اعیادی را که برگزار می کنید بهتر بدانید و بهتر با تمامی کلیسا با دعا و شادمانی در آنها شرکت جوئید. در کمال مسرت این کتاب کوچک به شما کمک خواهد کرد که مطالب آن را با افراد خانواده از کوچک تا بزرگ بررسی کنید و خوب دقت نموده معانی آنها را دریابید.

ضمناً وظیفه خود می دانم از کلیه افرادی که با ما همکاری نموده و در جمع آوری مطالب، تهیه، تحریر و آماده سازی آنها برای وب سایت ایران کاتولیک بدون هیچ گونه چشم داشتی کمک نموده اند قلباً تشکر و قدر دانی نمایم. در آینده نیز امید من به شما خواهد بود که در تألیف و تنظیم این کتاب کمک های خود را از ما دریغ ننمائید. فرصت را غنیمت شمرده عید سعید میلاد عیسی مسیح را به شما عزیزان، مخصوصاً به آنانی که در غربت هستند یا بیمارند و نیز به تمام کسانی که فرصت شرکت در این اعیاد جماعت را نداشته اند تهنیت و تبریک می گویم. امیدوارم ظهور مسیح در میان ما برای تمامی خانواده ها وسیله صلح، خوشبختی و خوشحالی گردد؛ زیرا که ما تنها نیستیم و خداوند همواره با ماست. ما در زندگی کنونی خود سرگردان و بدون هدف نیستیم؛ مسیح آمده است تا در میان ما زندگی کند و به ما قول داده که مجدداً مراجعت خواهد فرمود. در حقیقت تولد مسیح اولین ظهور اوست که ما آن را جشن می گیریم و در این حال منتظر دومین ظهور پُرشکوه او هستیم. چون او ما را دوست می دارد، نجات دهنده ما دوباره خواهد آمد تا ما را همراه خود و همه با هم به ملکوت آسمانی خود ببرد.

به امید آن روز بزرگ، عید همه شما را مجدداً تبریک می گویم.

خداوند ما را محبت می کند

در ابتدا هنگامی که خدا ما را آفرید، از ما دعوت نمود تا با او متحد شده در جشنی جاودانی زندگی کنیم، ولی ما دعوت او را با حق ناشناسی رد کردیم و این گناه، بین ما و او وادی غیر قابل عبوری ایجاد کرد. لیکن خداوند از این وادی گذر کرد و این فاصله طولانی را مشاهده نمود و به خاطر محبت بی انتهایش نسبت به ما بدون آن که تردیدی به دل راه دهد پسر خویش را فرستاد.

خدا خودش جسم گرفت، به جهت ما آمد و تا پای صلیب ما را محبت نمود تا کسی نهراسد و همه بتوانند به طرف وی هدایت گردند. پروردگار در فکر ماست، خداوند ما را محبت می کند، مرا محبت نمود، خویشتن را چون من گرداند، حتی محدودیتها، ضعف ها و احتیاجات مرا بر خود گرفت.

او گناهان ما را بر عهده گرفت، ما را محبت کرد و بر صلیب مُرد تا روح القدس را به ما عطا نماید.

(گفتاری از پاپ پل ششم)

باردار شدن حضرت مریم طبق انجیل متی

اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود قبل از آنکه با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند و شوهرش یوسف چون که مرد صالح بود و نخواست او را عبرت نماید، پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند. اما چون او در این چیزها تفکر می کرد ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده گفت: ای یوسف، پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است. و او پسری خواهد زائید و نام او را عیسی خواهی نهاد زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند. و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود تمام گردد که اینک باکره آبستن شده پسری خواهد زائید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما. پس چون یوسف از خواب بیدار شد چنان که فرشته خداوند بدو امر کرده بود به عمل آورد و زن خویش را گرفت و تا پسر نخستین خود را زائید او را نشناخت و او را عیسی نام نهاد. (متی: ۱-۲۵)

باردار شدن حضرت مریم طبق انجیل لوقا

در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره نام داشت فرستاده شد. نزد باکره نامزد مردی مسمی به یوسف از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود. پس فرشته نزد او داخل شده گفت: سلام بر تو ای نعمت رسیده. خداوند با توست و تو در میان زنان مبارک هستی. چون او را دید از سخن او مضطرب شده متفکر شد که این نوع تحیت است. فرشته بدو گفت: ای مریم ترسان مباش زیرا که نزد خدا نعمت یافته ای و اینک حامله شده پسری خواهی زائید و او را عیسی خواهی نامید. او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی شود و خداوند خدا تخت پدرش

داود را بدو عطا خواهد فرمود و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود. مریم به فرشته گفت: این چگونه می شود و حال آن که مردی را نشناخته ام. فرشته در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد و اینک ایصابات از خویشان تو نیز در پیری به پسری حامله شده و این ماه ششم است، مرا و را که نازاد می خوانند زیرا نزد خدا هیچ امری محال نیست. مریم گفت: اینک کنیز خداوندم، مرا بر حسب سخن تو واقع شود. پس فرشته از نزد او رفت. (لوقا: ۱-۲۶-۳۸)



منظره ای از بیت لحم



شمایل روسی از تولد مسیح

ملاقات در بیت لحم



در شب میلاد مسیح که مثل شبهای دیگر است در بیت لحم گروهی کوچک دور نوزادی جمع شده اند.

این گروه کوچک از افراد

مختلفی تشکیل شده است: مادر طفل و شوهرش یوسف نجار و عده ای از چوپانان که از چراگاههای اطراف به آنجا آمده اند. اینها مهمانان بیت لحم هستند. گروه کوچک دور طفل جمع شده اند. چیز مهمی دیده نمی شود. اتفاقی است که هر روز چندین بار در زندگی معمولی انسانها می توان دید: تولد کودکی مثل همه تولدهایی که در خانواده ها شادی و احساس زیبای محبت ایجاد می کند. فرقی که این گروه با گروههای دیگر دارد این است که این گروه در جای عجیبی، در یک غار جمع شده اند. ولی در اطراف بیت لحم این موضوع هم زیاد عجیب نیست چون در سنگهای اطراف بیت لحم پیچ و خم هائی وجود دارد و در ضمن آب و هوای ملایمی دارد بنابراین در آنجا می توان پناهگاهی مناسب در هر فصلی پیدا کرد. امروزه نیز مهاجرین در تمام فصول سال به این پناهگاهها می روند و در آنجا زندگی می کنند و امروزه هم بچه هایی در غارهای بیت لحم به دنیا می آیند. پس این گروه فرقی با گروههای دیگر ندارد. در این گروه معمولی که در اینجا جمع شده اند واقعیتی مافوق واقعیتها نهفته است:

«اگر بخشش خدا را می دانستی...» (یوحنا ۴: ۱۰)

با ملاحظه هر یک از افراد این گروه می توان پی برد که چه حقیقتی در آنجا وجود دارد.

قبل از هر کس دیگر حضرت مریم مادر مسیح را می بینیم که در حقیقت اولین مهمان است زیرا قبل از همه اطلاع یافته و نه ماه پیش به این مهمانی دعوت شده است:

«سلام بر تو ای نعمت رسیده

خداوند با توست:

اینک حامله شده پسری خواهی زائید

و او را عیسی خواهی نامید.» (لوقا: ۱، ۲۸، ۳۱)

این دعوت استثنائی و منحصر به فرد است زیرا تولد مسیح بستگی به پاسخ مریم به این دعوت دارد. لیکن در مورد دیگران وضع به گونه ای دیگر است. دیگران می توانند این دعوت را بپذیرند یا رد کنند مانند شبانان که پذیرفتند و علمای اورشلیم که رد کردند. لیکن در مورد مریم فرق می کند زیرا تن گیری و تولد مسیح به مریم بستگی داشت. آزادی که مریم از آن برخوردار بود آزادی کاملی بود. خود او بود که پیشنهاد را پذیرفت نه کسی دیگر. خداوند به آزادی او احترام می گذارد زیرا خود خالق این آزادی است. نجات زندگی مخلوقات بستگی به پذیرش مریم دارد زیرا مردم همه منتظر پذیرش مریم هستند تا از آن



همه اضطراب و نگرانی رهایی یابند چونکه این پذیرش باید از روحی پاک بدین صورت ابراز شود:

«اینک کنیز خداوند،

مرا بر حسب سخن تو واقع شود.» (لوقا: ۱، ۳۸)

اهمیت دعوت خداوند وقتی آشکار می شود که حضرت مریم به دیدن یکی از اقوام خویش به نام ایصابت که در عین الکریم زندگی می کند می رود. ایصابت که در عین سالخوردگی باردار است استقبالی شایسته مادر مسیح از مریم می کند:

«تو در میان زنان مبارک هستی

و مبارک است ثمره رحم تو.

از کجا این به من رسید

که مادر خداوند من به نزد من آید.

خوشا به حال او که ایمان آورد

زیرا که آنچه از جانب خداوند به وی گفته شد

به انجام خواهد رسید.» (لوقا: ۱، ۴۲-۴۳، ۴۵)

مریم در جواب ایصابت زیباترین و پاک ترین شعر را می سراید که از والاترین و پاک ترین روح سرچشمه گرفته و سرود ستایش حضرت مریم نامیده می شود.

دومین مهمان به ترتیب اهمیت یوسف نجار شوهر مریم است که او نیز از قبل دعوت شده است. دعوت یوسف نیز دعوتی استثنائی و از نظر روحی

بسیار رنج آور و غیرقابل درک است. در همان موقعی که یوسف سرّ نامزدش را فهمید می خواست بدون رسوائی و سرو صدا او را پنهانی به خانه اش بفرستد. فرشته بر او ظاهر شد تا حقیقت موضوع را به او بگوید: «ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس زیرا آنچه در وی قرار گرفته است از روح القدس است». (متی ۱: ۲۰)

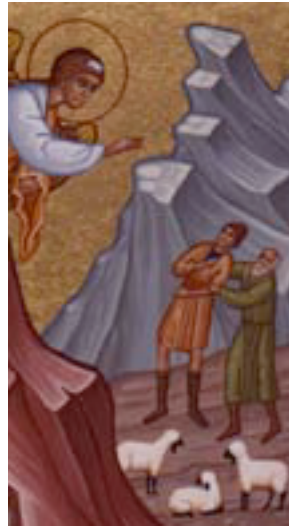


یوسف مردی ساده دل و در عین حال انسانی با خدا و با وجدان بیدار است. هر کسی را تا حدی می توان از حرکات ظاهر وی شناخت و پی به خصوصیات باطنی اش برد. هر کس دیگری جای او بود هر چه را قضاوت کرده بود به مرحله اجرا می گذاشت و

به طوری که می بینید تنها کاری که او می کند این است که از درون رنج می برد و هیچ وقت این درد و رنج را نشان نمی دهد. با وجود این که ممکن بود انتقام از ناراحتی درویشش بکاهد به فکر انتقام هم نمی افتد. خودش فکر کرده بود که همه چیز را پنهانی و دور از دید مردم انجام دهد. همان طور که مریم دفاع از خودش را به عهده خداوند واگذار کرده بود و با یوسف در این مورد صحبت نکرد یوسف نیز از همان روش پیروی کرد و عکس العملی از خودش نشان نداد و گذاشت خداوند در مورد رنجها و ناراحتی او داوری کند. چه زیباست پیوند این دو قلب پُر از ایمان و احساس پاک که در موقعیتی این چنین حساس همدیگر را درک کرده اند.

شبانان نیز حضور دارند، انسانهای فقیر و بی چیزی که به سبب نامناسب بودن زمینهای اطراف بیت لحم برای زراعت زندگی حقیقتاً فقیرانه ای دارند. از این زمین ها برای چراگاه استفاده می شود و گله های

زیادی به طور دائم شبانه روز در این چراگاه ها نگهداری می شوند. شبانان این گله ها در همان مراتع زندگی می کنند. شبانانی که اصول طهارت و نظافت را رعایت نمی کنند و از طبقه پست اجتماع محسوب می شوند. بخصوص این که از آداب و رسوم مذهبی که منبع غرور فریسیان است چیزی نمی دانند. این مسئله فریسیان را که از علما و بزرگان قوم یهود هستند و به شبانان با دیده حقارت می نگرند به تعجب وا می دارد.

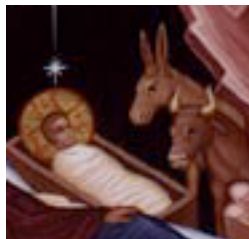


لیکن این شبانان اولین گروه در دربار پادشاه بدون تاج و تخت بودند. ۹ کیلومتر دورتر از این مکان پادشاه دیگری است با دربار دیگر و با خصوصیات دیگر، درباری پُر از شکوه و عظمت ظاهری که در آن هیروودیس پادشاهی می کند: مشاهده کنید چه فرق فاحشی است بین این دو دربار سلطنتی. اینجا فقر است و بینوائی و معنویت و آنجا برعکس جاه و جلال است و ظلم و مادیات.

برای انسانهای بی چیز و بی تکبر کسرشان نیست که به پرستش مسیح بروند بلکه علاوه بر این در مورد افرادی مثل مجوسیان نیز که با جاه و جلال مادی خود در نهایت غرور بودند لازم بود که آنها نیز شهادت دهند و با تواضع و فروتنی مسیح را پرستش کنند. درست است که مجوسیان در شب تولد مسیح حاضر نبودند لیکن بعد به حضور مسیح خواهند رسید و از این رو نباید آنها را از این گروه جدا دانست زیرا در مملکت خودشان که مسافت زیادی هم با بیت لحم دارد در پی مسیح بوده اند. البته نباید

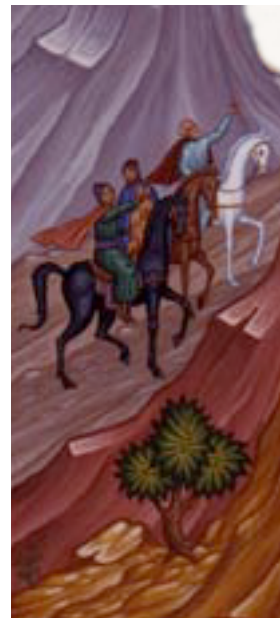
متمایز می کند و همین حالت پاکی روح و خلوص نیت است که به آنها کمک می کند تا حقیقت را درک کنند و دعوت را بپذیرند. چنانچه می بینید افراد دیگری هم دعوت شدند تا به حضور طفل برسند لیکن دعوت را نپذیرفتند و به زیارت مسیح نیامدند. این افراد عبارتند از کاتبان، کاهنان اورشلیم و هیرودیس. آیا اینها نمی دانستند که بیت لحم محل ملاقات است؟ مگر اینها نبودند که مجوسیان را راهنمایی کردند لیکن به خود زحمت ندادند و به دیدن مسیح نرفتند؟ آیا سؤالی که مجوسیان از آنها پرسیدند نوعی دعوت غیرمستقیم نبود؟ با این وجود خود خواهی به آنها اجازه نداد که قبول کنند دور از تصور آنها و بدون این که پیش بینی کرده باشند مسیح متولد خواهد شد زیرا چنان در خودپسندی غرق هستند که نمی توانند پی به حقیقت ببرند.

لیکن این خودخواهی نمی توانست هیرودیس را از ترس و لرز رهایی دهد. اگر به اطلاعاتی که به مجوسیان داده ایمان نداشت پس چرا آنها را می طلبد و چرا دستور می دهد اطفال کوچک آن منطقه را که تقریباً هم سن مسیح بودند قتل عام کنند؟ هیرودیس نمی توانست بفهمد چه اتفاقی خواهد افتاد چون در حقیقت سادگی روح بچه های کوچک را نداشت و با نفرت شدید به کشتن بچه ها پرداخت و نمی دانست که بچه ها می توانند به او کمک کنند تا حقیقت را درک نماید. می دانید که خود مسیح درباره بچه ها می گوید: «ملکوت آسمان متعلق به چنین افراد است.» (متی ۱۹:۱۴)



پس سعادت و خوشبختی ابدی آن عده ای که در اولین ساعات تولد

فراموش کرد که مجوسیان از نظر زمانی جزو آن گروه نبودند لیکن از نظر حقانیت شامل آن گروه می شوند.



مجوسیان عالمان و دانشمندانی بودند که تحقیقات زیادی در کتب داشتند. با این وجود با علاقه شدید همه چیز را ترک نمودند و ستاره را دنبال کردند تا به حضور عیسی رسیدند. آنها نیز مانند شبانان دعوت را پذیرفته بودند. شبانان با سادگی و پاکی روحشان به دیدن مسیح آمدند:

«الآن به بیت لحم برویم

و این چیزی را که واقع شده

و خداوند آن را به ما اعلام نموده است

ببینیم.» (لوقا ۲:۱۵)

لیکن مجوسیان چون صاحب نظر و

دانشمند هستند با تحقیقات بیشتری پیش آمدند تا بتوانند فرضیات خود را با واقعیت تطبیق دهند:

کجاست آن مولود که پادشاه یهود است

زیرا که ستاره او را در مشرق دیده ایم

و برای پرستش او آمده ایم.» (متی ۲:۲)

جزئیات قضیه با هم فرق دارد زیرا دو گروه مختلف هستند لیکن در اصل هر دو گروه یک هدف دارند و آن خدمت به مسیح است.

ممکن است این سؤال پیش آید که چرا این گروهها اولین مهمانان مسیح هستند. البته می دانید که هدف همه اینها در اصل یکی است و آن خدمت به مسیح است. همین هدف است که این گروهها را از دیگران

مسیح دور او جمع شدند در حقیقت به ما نیز داده می شود به طوری که مسیح می فرماید:

«خوشا به حال مسکینان در روح...» (متی ۵:۳)

بلی بدون قلب پاک و بی آرایش نمی توانیم به مسیح نزدیک شویم و به مفهوم انجیلی که خودش به دنیا عرضه کرده پی ببریم. نمی توان حقیقت وجود مسیح و انجیل را به درستی درک کرد مگر آن که قلبی پاک و بدون طمع به مال دنیا و همچنین دور از تکبر و غرور داشته باشیم. به بارگاه این نوزاد معصوم نمی توان رسید مگر این که مثل نوزاد بود.

سخنی درباره مار اپرم

در صفحات بعد، متونی چند از مار اپرم [مار کلمه ای است سریانی به معنی حضرت، قدیس و مقدس که برای اسقفان یا مقدسین کلیسا بکار می رود] ترجمه و نقل شده، از این رو لازم است ابتدا مختصر اطلاعاتی درباره تاریخچه زندگی وی داشته باشید. در ضمن برای آشنایی بیشتر با مار اپرم و آثار وی می توانید به برخی کتابهای کانون یوحنا رسول مراجعه نمایید.

مار اپرم به سال ۳۰۶ میلادی در شهر «نصیبین» واقع در بین النهرین (اورفای کنونی در جنوب شرق ترکیه) متولد گشت. وی در کلیسای سریانی شرق عهده دار خدمت شماسی بود (وظیفه شماس پرورش ایمان مسیحیان، جوا بگویی به احتیاجات روحانی ایمانداران و تعلیم آنان به عمق کلام خدا بود).

در سال ۳۶۳ میلادی پارسیان به شهر «نصیبین» حمله نموده آنجا را فتح کردند. در نتیجه مار اپرم به شهر «ادسا» پناه برد و به سال ۳۷۳ میلادی در همان شهر چشم از جهان فرو بست.

مار اپرم یکی از نویسندگان بزرگ کلیسای سریانی شرق بود و سرودهای بی شماری از خود بر جای گذاشته که بر آداب و رسوم کلیسا تأثیر بسزائی داشته است. بسیاری از این سرودها بعدها به زبانهای ارمنی و یونانی ترجمه گردید که بر کلیسای ارمنی و بیزانس نیز بی تأثیر نبوده است.

علت این که مار اپرم اکثر نوشته های خود را به صورت سرود در آورده این است که مردم آن زمان سواد نداشتند ولی از حافظه خوبی برخوردار بودند. بنابراین وی آثار خود را به نظم در می آورد، آهنگی بر آنها می گذاشت و بر اثر تکرار این سرودها در کلیسا، مردم آنها را به خاطر می سپردند و فراموش نمی کردند.

باردار شدن حضرت مریم توسط روح القدس

(طبق تفسیر ماراپرم از انجیل)

«ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود قبل از این که با هم آیند او را از روح القدس حامله یافتند.» (متی ۱: ۱۸)

نگارنده انجیل به اهمیت موضوع پی برده و از این رو مطلب را سطحی بیان نکرده است. در آن زمان بت پرستان در روایات و افسانه‌های خود می‌پنداشتند خدایان بر خلاف طبیعت الهی، با هوسرانی و شهوت طلبی افراطی مانند انسان فرزندان به وجود می‌آورند و بر این عقیده نیز تأکید فراوان می‌کردند.

لذا نگارنده انجیل بیم آن دارد که بارداری مریم نیز همانند افسانه‌های بت پرستان تلقی گردد، به همین جهت بر عبارت «بارداری از روح القدس» تأکید می‌کند. پس عیسی مسیح در اثر رابطه زناشویی متولد نشده است. حقیقت امر این است که با تکوین جنین مقدس در مریم، عفت و پاکدامنی در جسم انسان حلول کرد و در قلوب همه ریشه دوانید و جاویدان باقی ماند. علت نامزدی مریم با یوسف (از سلسله داود پادشاه)، گذاشته شدن نام یوسف بر او و همچنین باروری وی، همه بدین خاطر بود که عیسی مسیح به نسل پادشاهان منسوب شود زیرا در آن زمان غیر ممکن بود که فرزندی را به مادرش نسبت دهند. بنابراین مسیح «پسر داود» به نسل پادشاهان نسبت داده شد.

همچنین عبارت فوق ممکن است به سبب طرز تفکر مردمان فاسدی که اتهامات کذب و ناروایی مانند زنا به مریم می‌دادند نوشته شده باشد. مریم نامزد مردی شریف بود که قبل از ازدواج او را حامله یافت و در اوج

ماراپرم علاوه بر سرودها، تفسیری نیز بر انجیل نوشته که ما را از ایمان کلیسای آن زمان آگاه می‌سازد. در ادامه متنی از کتاب تفسیر او را برای شما انتخاب نموده‌ایم تا موضوع باردار شدن حضرت مریم را بر طبق عقیده کلیسای شرق بتوان بهتر درک کرد. همچنین چند سرود نیز از ماراپرم گنجانده شده که از آنها می‌توان در مواقع دعای دسته جمعی استفاده نمود. البته باید یادآوری کنیم که این سرودها و تفسیر انجیل به زبان آشوری قدیم نوشته شده که ما آن را به زبان فارسی ساده ترجمه کرده‌ایم. امید است که با این خدمت ناچیز، آمدن عیسی مسیح را عمیقاً درک کرده او را از صمیم قلب تمجید نمائیم.



مریم و مسیح

بارداری و زمان حاملگی از وی مراقبت کرده او را از خود نرانند بلکه در منزل خود از او پذیرائی کرد و در به دوش کشیدن بار سنگین تهمت و افترا خود را شریک و سهیم او دانست. او با تفاهم و حسن نیت در برابر دیدگان همه نشان می داد بچه ای که متولد می شود ثمره عمل زناشوئی نیست بلکه تکوین جنین و تولد او مشیت روح القدس است.



بشارت

حقیقت مطلب این است که مریم بدون نزدیکی با مردی حامله شد چنان که در بدو پیدایش حوا نیز بدون انجام عمل جنسی از آدم به دنیا آمد (پیدایش ۲: ۲۱-۲۲). در مورد یوسف و همسر دوشیزه اش نیز چنین بود. حوا کسی را به دنیا آورد که خون برادرش را ریخت (پیدایش ۴: ۱-۱۶) اما مریم کسی را به دنیا عرضه داشت که خونس توسط برادرانش ریخته شد. حوا شاهد کسی بود که از ترس به خود می لرزید و باعث گناه و نفرین ساکنان زمین گردید و همواره متواری بود لیکن مریم شاهد کسی بود که بار نفرین و لعنت را بر دوش گرفته بر روی صلیب آن را میخکوب کرد. (کولسیان ۲: ۱۴)

حامله شدن مریم این حقیقت را برای ما روشن می کند که آفریدگار بدون توسل به غرایز جنسی، آدم را از گل آفرید و به همین صورت نیز آدم دوم را در بطن دوشیزه ای به وجود آورد. آدم اول به بطن مادرش یعنی به خاک سپرده شد لیکن آدم دوم علاوه بر این که خود در بطن زمین نماند آدم اول را نیز از دل خاک بیرون کشید.

مریم می کوشید یوسف را متقاعد سازد که حاملگی و انعقاد جنین توسط روح القدس واقع شده ولی یوسف این را باور نمی کرد زیرا به نظر او این امر غیرعادی بود، لیکن مریم را می دید که با وجود بارداری همچنان ساکت و آرام است... یوسف مرد نیکوکاری بود و نمی خواست مریم را در پیش مردم رسوا کند... (متی ۱: ۱۹) با این وجود قبول هم نمی کرد که او را به عنوان همسرش انتخاب کند چون فکر می کرد احتمالاً با دیگری نزدیک شده باشد. بدین ترتیب تصمیم گرفت که با او ازدواج نکند و در عین حال تهمت و افترائی نیز به او نزند که «ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شد و گفت ای یوسف پسر داود...» (متی ۱: ۲۱). چه اتفاق بی نظیری! فرشته خداوند او را «پسر داود» نامید و جد بزرگش را به خاطر وی آورد، همان داودی که خداوند به او وعده داده بود که مسیح از

«ذریّت و میوه‌های اعقاب وی...» (مزمور ۱۳۲: ۱۱) خواهد بود؛ «... پسر داود از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا آن که در وی قرار گرفته از روح القدس است...» (متی ۱: ۲۰)

اگر در تکوین جنین در بطن این دوشیزه بدون رابطه جنسی شکی هست به نبوت اشعیای نبی گوش فرا دهید: «اینک باکره حامله خواهد شد...» (اشعیای ۷: ۱۴) و نیز به نبوت دانیال: «سنگی بدون دستها جدا خواهد شد...» (دانیال ۲: ۳۴-۴۵)

همان طور که آدم درباره حوا وظیفه پدری و مادری را بر عهده داشت، مریم نیز در مورد نجات‌دهنده ما این وظایف را عهده دار بود. «یوسف که مردی نیکوکار بود نمی‌خواست مریم را در پیش مردم رسوا کند» (متی ۱: ۱۹) لیکن نیکوکاری یوسف برخلاف قانون و شریعت یهود بود چنانکه در تورات نوشته شده «دست تو برای سنگسار کردن پیشی خواهد گرفت» (تثیبه ۲۲: ۲۴، ۱۷: ۷)، ولی یوسف دریافته بود این نوع حاملگی در نوع خود بی نظیر و منحصر به فرد بوده و برخلاف قانون طبیعت صورت گرفته است و نیز برخلاف بارور شدن معمولی که ثمره ازدواج است. تمام این علائم و نشانه‌ها او را متوجه می‌نمود که ین امر از جانب خداوند است. به طور کلی یوسف هرگز مریم را ندید که اشتیاقی به هوی و هوسهای انسانهای طبیعی نشان دهد. به علاوه برای او غیرممکن بود که نسبت به مریم واقعاً مؤمن و معتقد نباشد، زیرا دلائل زیادی در مورد حقانیت او داشت: داستان زکریا (که قدرت تکلم را از دست داده بود) و بارداری الیصابات، مژده فرشته خداوند و شادمانی یحیی و نبوت پیامبران پیشین و بسیاری دلائل دیگر... تمام اینها شواهدی بر حاملگی و بارداری مطهر بودند و چون یوسف مرد نیکوکاری بود تصمیم گرفت مخفیانه از او جدا شود (متی ۱: ۱۹). اگر او مطمئن نبود که این بارداری توسط روح القدس است «صحیح نبود که او را پیش مردم رسوا» نکند. او دریافت که این

واقعه کار شگفت و بی نظیر خداوند است و حال که این موضوع برای دیگران قابل قبول نیست پیش خود فکر کرد که این جدائی و رهائی عادلانه است. مضافاً این که معتقد بود اگر به زندگی با او ادامه دهد ممکن است این اعجاز نیز لکه دار شود و بخصوص برای این که دیگران وی را پدر فرزند خدا نخوانند قصد داشت از مریم جدا شود و چنین گناهی را مرتکب نشود. به همین جهت فرشته خداوند بر او ظاهر شد و گفت: «ای یوسف پسر داود از گرفتن زن خویش مریم مترس» (متی ۱: ۲۰). بعضی‌ها به خود جرأت داده ادعا می‌کنند که مریم پس از تولد نجات‌دهنده ما عیسی مسیح زوجه یوسف شد، ولی چطور ممکن است مریمی که روح القدس بر وی نازل گردید و در وی قرار گرفت و در پناه و حمایت نیروی لایزال ازلی بود به صورت زن یک شخص معمولی و فانی درآید و در هنگام وضع حمل متحمل شدت درد و رنج زایمان شود، مانند حوا، زن اول که مورد نفرین واقع بود، بنا به گفته خداوند به حوا «الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم و با الم فرزندان خواهی زائید...» (بیدایش ۱۳: ۱۶). توسط مریم «که در میان زنان مبارک است» لعن و نفرینی که از زمان حوا بر مردم بود که فرزندان با درد و رنج متولد شوند از میان رفت، زنی که با رنج و درد می‌زاید نمی‌تواند مبارک باشد.

همان طور که نجات‌دهنده ما عیسی مسیح بعد از رستاخیز خود، از میان درهای بسته نزد شاگردانش داخل شد (یوحنا ۲۰: ۲۶) به همین ترتیب از بطن باکره‌ای نیز خارج شد زیرا که مریم واقعاً و به راستی بدون تحمل درد زایمان طفل خود را به دنیا آورد... پسران هارون به علت این که آتش دیگری را جایگزین آتش شریعت کردند نابود شدند (لاویان ۱۰: ۱-۲).

در این صورت آیا مریم (اگر پس از تولد عیسی مسیح ازدواج می‌کرد) مستوجب شکنجه و عقوبت بیشتری نبود از آن رو که مرتکب خلاف شده بود؟ اگر فروشندگان که آب را با شراب مخلوط می‌کنند مستوجب

هر که خود را فروتن سازد سرافراز خواهد گردید

بندگردان: خدا را در اعلیٰ علیین جلال
و بر زمین سلامتی
و در میان مردم رضامندی باد.

پروردگارا، به ما توفیق بخش تا با ایمان و تقوی
در وصف جلال تو نغمه سرائی کنیم.
چنان قابل تحسینی که نمی توان تو را به فهم و تصرف در آورد
به راستی پیامبران تو را ستودنی دانسته اند
عالی ترین عطایا و باروری و مولودت حیرت انگیز
تو که شگفت انگیز و توصیف ناپذیری.
... بندگردان ...

با عنایت تو آغاز
و به مدد و پیوستگی تو پایان
ای خدای لایزال
زبان از فروتنی تو می گوید
ای تو که ما را سرشار از نعمت و کرم خود نموده ای.
ما زمین و توزارع،
کلام خود را به این دشت بایر بیفشان
تو که مولود طاهرت عاری از دانه و بذر است
از پدر درخشانی و باکره مقدس تو را زاد
... بندگردان ...

همانند پدر، همانند مادر عذراء، به چه کسی شباهت داری؟
خداوند که نه شکل دارد نه رنگ

مجازات هستند آیا در مورد مریم نمی باید رای قاطع و محکمی برای
محکومیتش صادر می شد؟ می بینیم که در آن زمان افرادی را برادران
عیسی نامیده اند و تصور می شود که فرزندان مریم هستند لیکن...
... باید متوجه باشیم که عیسی مسیح نجات دهنده ما پسر یوسف
نامیده شده و این لقب نه تنها به وسیله یهودیان، بلکه به وسیله مادرش به
وی داده شد: «مادرش به وی گفت ای فرزند چرا با ما چنین کردی اینک
پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می کردیم» (لوقا ۲: ۴۸)...
در این صورت اگر کسی مدعی است که در انجیل از برادران عیسی
مسیح نجات دهنده ما اسمی برده شده در جواب به طور قطع می گویم که اگر
مریم به غیر از عیسی پسر دیگری داشت و اگر یوسف نیز همسر وی بود پس
عیسی مسیح به هنگامی که بر روی صلیب جان می داد حق نداشت مریم را
با داشتن شوهر و فرزندان دیگر به یوحنا بسپارد. چطور آن که فرمود: «پدر
و مادرت را حرمت بدار» (مرقس ۱۰: ۱۲) به خود اجازه می دهد مریم را از
فرزندان خود جدا ساخته به یوحنا بسپارد.



بشارت

تو نظیر پدری در جوهر و قدرت و خسروانی
در طبیعت و حکمرانی،
تو نظیر مریمی که تو را به جهان آورد و از او پیکر بشر گرفتی
سرانجام مانند خود هستی که چهرهٔ خادم گرفتی.
... بندگردان ...

مظهر شجاعت، مهد تواضع، پنهان و آشکار، همه را درمی یابی،
بر هر آن که جویای توست تبسم می کنی،
سیمای شاداب و شکفته ات را نزدیک او بر تا بوسه زند،
از لبان تو عطر حیات جاری است
و از انگشتانت شیرۀ نعمت می چکد.
چه زیباست چشمان تو آن گاه که مادرت را می نگری
مادری که از دیدار تو سیر نمی گردد
ای تو که فرزندان کلیسا تشنه و شیفته ات هستند.
... بندگردان ...

تو به سوی انسان، گوسفند گمشده
شتافتی تا از نو جان گیری.
تو آن شبان هستی که گوسفند گمگشته
با شنیدن ندای آشنایت به سویت می دود
به چه چیز خیره گشته ام؟
به گوسفند گمشده که حامل برهٔ طاهر است
به جوانی که حامل جاویدان و ازلی است
تو هم شبانی و هم بره، کاهن قربانی کننده و هم قربانی مظلوم
تو قابل تحسینی و مطلوب ای طفل کوچک.
... بندگردان ...

نابغهٔ جهان، قادر و توانا
سحرآمیز در جوهر
نهفته و پنهان در الوهیت
مریم تو را باردار شد و زائید تو را
عزیز داشت و مراقبت کرد.
طفل از دیدن مادر با وجد و شغف لبخند می زند
قنناق شده در آخور
به هنگام گریه مادر او را در آغوش کشیده
شیر می دهد و نوازش می کند.
... بندگردان ...

جد بزرگ تو داود، سرشار از نعمت و کرم
در وصف تو غزل سرائی کرد
در حالی که تو هنوز به دنیا چشم نگشوده بودی.
ای یگانهٔ حق بی همتا، او در نبوت ذکر تو را می کرد
و در حقیقت تو به سرودهای او واقعیت بخشیدی.
زر و گوهر، کندر و کافور نثار تو شد،
طلا نشانه اقتدار، کندر نشانهٔ جوهر الهی، کافور و مر برای دفن تو بود،
خوشا به حال کسانی که در تو شک و تردید نکنند.
... بندگردان ...

فرزند پدر، فرزند مریم، تو یگانه، کلام تن گرفته
تو برتر از طبیعت مادر و با پدر از یک طبیعتی
تو کیمیای فضل و حکمتی
ای تو که شیر باکره دختر داود را نوشیده ای.
... بندگردان ...

زیبائی تو سحرآمیز، عطر تو مطبوع، دهان تو شیرین
طفل الهی که قدرت کلامت آسمانیان را به هراس در آورد،
مریم مبهوت در برابر توست
با یک حرکت، مخلوقات را اداره می کنی
با عنایت خود جهان را نیرو می بخشی و چون نوزاد شیر می نوشی
ای طفل شگفت انگیز که در طفولیت شیر باکره می مکی
شیری که آفریدی غذای توست.
... بندگردان ...

رهبر و امیر مادر
پروردگار مادرت جوان تر از مادر و ازلی از ازل
آرامش روح ما را به حیرت انداخته
شجاعت تو ما را برمی انگیزد
چطور می توان به تو نگریمست و تو را بوسه نزد
مهربانی و ملایمت تو مورد تحسین و تمجید بینندگان است
الفاظ بچه گانه تو مصاحبین تو را مجذوب می کند
همه چیز در تو دوست داشتنی است
و دهان تو از لطف و صفای پدر است
... بندگردان ...

جمال تو دلپذیر،
عطر تو مطبوع،
دهان تو مقدس
ای قدوس الهی،
از وجود تو زندگی پرتوافکن است
ای نان حیات،

جاوید از جاودانی
روح تو ملایم، طفولیت تو محسوس
تو محبوب آنهایی که تو را دریافت می کنند
این غذای آسمانی و آب اسرارآمیز
هدیه تو به کسانی است که از تو تولد می یابند
خوشا به حال کسانی که مشتاق حضور در ضیافت تو
و تشنه آب حیات هستند
... بندگردان ...

عنوان: (لوقا ۱۴: ۱۱) - بندگردان: (لوقا ۲: ۱۴)



آفتابگردان

«چه کسی در پادشاهی آسمان از همه بزرگتر است؟»

بند گردان: بدانید آنچه به یکی از کوچکترین برادران من کردید

به من کردید

بدانید آنچه به یکی از این کوچکان نکردید

به من نکردید

در حالی که فرشتگان با فر و شکوه در حضور تو ایستاده اند

متحیرند که چگونه تو را نگاه کنند،

در اعلیٰ اعلیین به دنبال گشتند

تو را در عالم فانی یافتند

در آسمانها جستجویت کردند

در زمینت باز یافتند

در کنار معبودشان در جستجویت بودند،

در بین مخلوقات تو را دیدند

به پائین آمدند

و تو را سجده کردند.

... بند گردان ...

درباره طبیعت پسری که تن انسان به خود گرفته،

بشر با ناتوانی خویش چنین می سراید:

تمام وجودت شگفت آفرین است

همه جا هستی، دور و نزدیک

اما چه کسی می تواند به تو برسد

هیچ کاوشی نمی تواند به تو دسترسی داشته باشد

به هنگام جهد مایوس می شود و باز می ماند
لیکن توسط ایمان و دعا و محبت می توان به او رسید.

... بند گردان ...

راهی برای رسیدن به پسر وجود دارد:

وقتی مجوسیان به دنبالش گشتند

او را در آخور یافتند

به جای مجادله با سکوت سجده تقدیمش نمودند

و به جای مباحثات باطل

خلعت و هدایا نثارش کردند.

... بند گردان ...

ای بشر فانی تو نیز به دنبال یگانه (پسر خدا) بگرد

اگر او را در اعلیٰ علیین یافتی

به جای کند و کاوهای مغشوش

در گنجینه هایت را به رویش بگشا

و اعمالت را تقدیمش کن.

... بند گردان ...

عنوان: (متی ۱۸: ۱) - بند گردان: (متی ۲۵: ۴۰، ۴۵)

کلیه کائنات در مسیح با هم جمع شده اند

بندگردان: از جانب عیسی مسیح، آن شاهد امین
آن نخست زاده از مردگان و فرمانده پادشاهان زمین
به شما فیض و آرامش باد

جبرائیل به ناصره، شهر جلیل فرستاده شد
تا مژده نجات را به بشریت اعلام دارد
زیرا فرمانروای کائنات و عالم هستی و نیستی، تن انسانی گرفت.
... بندگردان ...

در کالبدی انسانی شکل یافت
عیسی انسانی چون ما گردید
تا مژده بزرگی را اعلام دارد و دنیا در شگفتی فرو ماند.
... بندگردان ...

زیرا در او نجات ما به انجام رسید
بدین طریق در کمال عدالت، فرمانروای آفاق و اعماق شده
توسط او تمامی آفرینش تجدید شد.
... بندگردان ...

شکرگزاری او بر لبها جاری گشت
او کسی است که با لطف خود به خاطر نجات ما
در قالبی کوچک چون جسم ما نمایان شد.
... بندگردان ...

عنوان: (افسیان ۱: ۱۰) - بندگردان: (مکاشفه: ۱: ۵)
سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

روح ما را شفاعت می کند تا خدا را ستایش کنیم

بندگردان: با شکوه است پیام تو
ای که تمام جهان را شادمان می گردانی
ای مسیح که برای نجات ما شتافته ای

چه کسی می تواند در عین فناپذیری
از کسی سخن گوید
که زندگی را به تمام دنیا ارزانی می دارد؟
... بندگردان ...

تو که در شکوه و عظمت خود نمایی
و در فروتنی، خود را به ما نزدیک نمودی
تو که با تولد خود همه چیز را با شکوه ساختی.
... بندگردان ...

نور خود را بر سر راه بتابان
و روح ضعیف ما را قوی گردان
تا بتوانیم تولد تو را اعلام داریم.
... بندگردان ...

نه برای شناخت کامل شکوهت،
بلکه برای اعلام مهر و محبت تو.
... بندگردان ...

سپاس بر تو که از دیده پنهانی

بطلبید که به شما داده خواهد شد

بندگردان: خداوندا بر ما ترحم فرما

در شادمانی و با روحیه ای بشاش

درخواست نمائیم و بگوئیم:

ای که ما را آموختی

تا با تمام وجود دائم دعا کنیم

تمنا داریم

... بندگردان ...

ای که شب را تا صبح

برای نجات ما استغاثه می کردی

تمنا داریم

... بندگردان ...

ای که ما را از تاریکی نجات داده

به سوی ملکوت نورانی پسر عزیز خود رهنمون ساختی

تمنا داریم

... بندگردان ...

ای که به ما گفتی

بطلبید که به شما داده خواهد شد

بجویند و خواهید یافت

در را بنزید گنجینه رحمت به رویتان گشوده خواهد شد

تمنا داریم

... بندگردان ...

لیک با اعمال خود، خویشتن را می نمایانی.

... بندگردان ...

شکوه و جلال تو از دیده ما پنهان

اما مهرت بر ما آشکار است.

... بندگردان ...

حال ای سرور ما در مقابل تو سکوت می کنیم

ولی اعمال نیک تو را اعلام می داریم.

... بندگردان ...

مهر تو آن چنان بی دریغ است که تو را به نزد ما فرستاد

مهرت تو را چون کودکی گرداند

و لطف تو را انسانی.

... بندگردان ...

متبارک باد قدرت لایزال تو که این چنین فروتن است

و این چنین جلال می یابد.

... بندگردان ...

عنوان: (رومیان ۸: ۲۶)

سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

کلمه جسم گردید و پُر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم

بندگردان: جلال و شکوه باد بر خدای یکتا
پدر و پسر و روح القدس از ازل تا به ابد

مبارک باد شکوه پسر
او که پدر را بر ما آشکار نمود
و درخشش نورش در بشریت ظاهر گشت
از مریم عذراء، از نسل داود
برای نجات تمامی مخلوقات خویش متولد گشت.
... بندگردان ...

جبرائیل به مریم مژده ای داد
که حیات جاودانی را در برداشت
وجد و شادمانی کن ای که مورد لطف پروردگاری
از تو نجات دهنده ای متولد خواهد شد.
... بندگردان ...

ای تمام مخلوقات شادمانی خود را ابراز کنید
و حمد و ثنای خود را در مقابل نور شگفت انگیزی
که در میان ما ظاهر گشته رساتر نمائید
زیرا جلال خود را در جسم ما درخشانید
و زمین و زمان را مسرور گردانید
... بندگردان ...

عنوان: (یوحنا ۱: ۱۴)
سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

ای بخشاینده رحیم

که همه را با محبت خود هدایت می نمائی
تمنا داریم

... بندگردان ...

ای که در آسمانها جلال یافته
و بر روی زمین ستایش می شوی
تمنا داریم
... بندگردان ...

ای سرور ما عیسی مسیح، به هنگام بازگشت خود
ما را پیروزی عطا فرما
و آرامش را به تمام کلیسای خود
که توسط خون گرانبهایت احیاء گشته است ارزانی دار
تمنا داریم
... بندگردان ...

عنوان: (متی ۷: ۷)
سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

عیسی در هر امری مشابه برادران خود شده است

بندگردان: خدا پسر یگانه خود را به جهان فرستاده است
تا با وی زیست نمائیم

سپاس گوئیم خداوند مهربان را
چون ما را از بند اسارت بدی و نیستی نجات داد
متبارک باد او که رحیم است
به هنگامی که در جستجویش نبودیم از پی ما آمد
و از این که به ما زندگی بخشید شادمان گشت
آیا قصه بره گمشده توسط مسیح
تصویری از سرگشتگی و بازگشت ما به سوی او نیست؟
... بندگردان ...

او ما را فرزند خواند و وارث گردانید
طبیعت گمشده باز یافته شد
و از فنا رست و رستخیز نمود
جاودانی است محبت لاینتهای پروردگار نسبت به ما
از میان ما واسطه ای را خواند
و دنیا را با خود آشتی داد.
... بندگردان ...

پروردگار والای ما، آفریننده تمامی مخلوقات
شگفتی ها را برای ما انسانها آفرید
او از جسم ما معبد مقدسی به وجود آورد
که در آن جهان نماز گزارد.
... بندگردان ...

بیائید ای فرشتگان و ای انسانها
بنگرید و تحسین نمائید
دگرگون شوید از این همه بزرگواری
اکنون بشر فانی به سر حد خدائی رسیده است.
... بندگردان ...

ای زمین و زمان و هر آنچه در خود دارید
پروردگار را حمد گوید
او که چنین ما را محبت می کند
او گناهان ما را زدود
و در او تولد یافتیم
او ما را با نام مقدس خود نامید
و همه چیز را به دست ما سپرد
رواست که او را جلال دهیم
و حمدش را در تمام قرون بخوانیم
آمین و آمین.

عنوان: (عبرانیان ۲: ۱۷) - بندگردان: (اول یوحنا ۴: ۹)
سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای کلدانی

سپیده از عالم اعلی تفقد نمود

بندگردان: سپاس بر این کودکی که
پدرش آسمانی و مادرش زمینی
و ماورای وصف و ادراک بشری است

ای کودک نوشکفته

با تولدت ما را از اسارت مرگ نجات دادی

با نور با شکوه معرفت خود

قلب‌های ما روشن نمودی.

... بندگردان ...

به ما آموختی که به خاطر تولد عظیمت

چگونه تنها به تو شهادت دهیم

تو را سپاس می‌گوئیم که ما را شایسته گردانیدی

تا همراه چوپانان و مجوسیان تو را حمد گوئیم.

... بندگردان ...

با آوازهای حمد

جشن میلاد و شادمانی شناخت تو را ابراز می‌داریم

به تو ایمان داریم، توئی پروردگار تعالی

و همه چیز را با اراده خود به انجام می‌رسانی.

... بندگردان ...

تمنا داریم

دعای ما را که در پیشگاه مبارکت بلند می‌شود پذیرا باشی

بگذار تا می‌توانیم لایق ایستادن در برابر تو باشیم

و با قلب‌های پاک تو را خدمت کنیم.

... بندگردان ...

تو را حمد می‌گوئیم

در این جشن سرشار از محبت بزرگ خداوندیت

ای که سرور همه، در همه زمان‌ها هستی.

... بندگردان ...

عنوان: (لوقا ۱: ۷۹)

سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

هیچ کس پدر را ندیده مگر کسی که از جانب خداست

بندگردان: کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد
پُر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم
جلالی شایسته پسر یگانه پدر

پرستش می کنیم پروردگار یکتا را
که ناپیداست از دیده و آغازی ندارد
چون زمان به کمال رسید

قدرت لایزال خداوندیش را توسط مسیح به ما شناساند.

... بندگردان ...

توسط او راز پدر، پسر و روح القدس بر ما آشکار
گشت پدر به خاطر محبت بی پایانی که به ما دارد
توسط پسر خود ما را نجات بخشید
و ما را با او رستاخیز داد
تا در ملکوت او شریک شویم.

... بندگردان ...

بدین طریق عهدی را که با ما بسته بود

به اتمام رساند

حمد و سپاس بر نام او باد

که ما را تولد دوباره ارزانی داشت

و با کلامش آرامش خود را به ما بخشید

و ما را محبت نمود.

... بندگردان ...

عنوان: (یوحنا ۶: ۴۶) - بندگردان: (یوحنا ۱: ۱۴)

سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

خداوند نور است

بندگردان: سپیده ای که بر ساکنان ظلمت و ظل موت نور بخشد
و گام های ما را به طریق صلح و سلامتی هدایت نماید

برای کودک غیر قابل وصفی که به خاطر ما متولد شد

سرودهای حمد بخوانیم

او همان نور واقعی است

و بر ساکنان تاریکی ها تابید.

... بندگردان ...

به همین خاطر است که

با تمام فرشتگان بانگ شادی بر می آوریم:

«خدا را کران تا کران جلال باد

صلح و آرامش بر روی زمین

و امید در دل همه جهانیان.»

... بندگردان ...

زیرا زمان به کمال رسید

و خود را در کالبدی چون ما آشکار کرد

و به ما آموخت که اقرار کنیم

اوست آفریننده کائنات و کهکشان ها.

... بندگردان ...

عنوان: (اول یوحنا ۱: ۵) - بندگردان: (لوقا ۱: ۷۹)

سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

درود بر تو ای مریم

بندگردان: به وجد و شادی درآی
ای مریم، مظهر کلیسای ما

جبرائیل، فرشته مقرب خداوند
به سوی دختری که

از میان تمامی بانوان مبارک گشته بود
فرستاده شد

و چون در وی ترس می بود
جبرائیل همواره بر او می خواند

... بندگردان ...

درود بر تو که

نجات دهنده را در بطن خود جای

دادی

درود بر تو

ای مادر قادر مطلق و ای مادر مسیح

... بندگردان ...

درود بر تو

که شاه شاهان از تو ظاهر شده
و ملکوتش بی پایان است

درود بر تو

که مسکن و مأوای پادشاه دو جهانی

... بندگردان ...

درود بر تو

که در بطن خویش

آفتاب عالم تاب را پروراندی

درود بر تو

که سزاوار ستایش سفیدپوشان پیروزمندی

... بندگردان ...

درود بر تو

که به مسیح خداوند و نجات دهنده ما تولد بخشیدی

درود بر تو

که مادر بخشاینده گناهان ما هستی

... بندگردان ...

درود بر تو

که شادمانی آفرینش از تو ظاهرگشت

درود بر تو

ای کشتی حامل گنجینه آسمانی

که بشر از آن غنی گردیده است

... بندگردان ...

درود بر تو

زیرا سرچشمه آب حیات از تو جاری گشت

تا جهان را آبیاری کند و تشنگان را به رایگان سیراب گرداند

... بندگردان ...

عنوان: (لوقا ۱: ۲۷)

سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای آشوری کلدانی

تفسیر شمایل سریانی تولد عیسی

شمایلی که در همین صفحه ملاحظه می فرمائید از یک کتاب خطی سریانی گرفته شده و ما را با بعضی از سنن کلیساهای سریانی آشنا می گرداند. ابتداء شرح مختصری درباره تاریخچه منابع این کتاب خطی و سپس توضیح کوتاهی درباره تفسیر روحانی این شمایل ارائه می شود.



خداوند ما به صورت غلام ظاهر گشت

بندگردان: مسیحا، تو که از جوهر خدا هستی
با خدا برابر بودن را غنیمت نشمردی
خود را از مزایای آن محروم کرده
غلامی را پذیرفتی و به صورت انسان در آمدی

امروز واقعه ای با شکوه و در خور پروردگار
به خاطر نجات بشر به وقوع پیوسته است.
... بندگردان ...

او که در شأن خدائی است
در محبت لایزال خود از مریم مقدس متولد شد
و چون خدمتگزاری آمد
تا خلاق را که با جلال خویش ساخته،
و آدم از آن محروم گشته بود
دوباره ترفیع داده جلال بخشد.
... بندگردان ...

حمد گوئیم و با هم بخوانیم
متبارک باد میوه بطن تو ای مریم مقدس
چون آن کسی که از تو متولد گشت
نجات دهنده تمام آفاق است.
... بندگردان ...

عنوان: (فیلیپیان ۲: ۷) - بندگردان: (فیلیپیان ۲: ۶-۷)
سرود: اقتباس شده از مراسم نماز کلیسای قبطی (مصر)

بر اساس تحقیقات متخصصین، این کتاب خطی که شمایل از آن گرفته شده بین سالهای ۱۲۱۶ و ۱۲۲۰ توسط یکی از راهبان دیر «ماردین» به نام «مار حنایا» نوشته و تنظیم گردیده است. دیر «ماردین» امروزه به نام «الزعفران» معروف است. نسخه خطی مورد بحث حاوی ۴۸ شمایل بسیار زیبا در تفسیر متون انجیل می باشند و هم اکنون در موزه بریتانیا در شهر لندن جزو مجموعه خطی شمایل دار سریانی با شماره 'ADD-700' نگهداری می شود.

طبق نوشته سریانی قدیم که در وسط شمایل شاهد آن هستید این شمایل گویای «تولد خداوند در قالب انسان» است. در نسخه اصلی این شمایل علاوه بر مریم و مسیح، در سمت چپ مجوسیان، در قسمت تحتانی یوسف و در سمت راست شبانان (در حالی که فرشته نزد آنان است) را نشان می دهد.

در قسمت فوقانی شمایل، نیم دایره ای به رنگ آبی، آسمان را که جایگاه خداوند متعال است و انسان بدان دسترسی ندارد نشان می دهد. به علاوه آسمان در کتاب مقدس نمایانگر ضعف بشر است که نمی تواند با قدرت خود به خدای متعال دست یابد. این امید و آرزوی بشر یعنی دسترسی به خداوند توسط اشعیای نبی چنین بیان شده است:

ای کاش آسمانها را منشق ساخته نازل می شدی و کوهها از رویت تو متزلزل می گشت. (اشعیای ۶۴: ۱)

همچنان که در شمایل می بینید از آسمان ستاره ای در حال فرود آمدن است و آن نشانه نوری است که از آسمان ساطع می شود و راهنمای مجوسیان به سوی نوزاد یعنی عیسی مسیح می باشد. ببینید چگونه آسمان باز شده و نور مسیر خود را تا رسیدن به مسیح طی کرده است: خداوند توسط این طفل با ما در ارتباط است. زمینه شمایل را خوب نگاه کنید،

می بینید که تمام آن به رنگ قرمز نشان داده شده و این بدان معناست که نور دنیا را منور ساخته است.

اگر به عیسی توجه کنیم می بینیم که در آخر خوابیده و در حال استراحت است و جایگاه مسیح نیز شباهت بسیاری به قربانگاه دارد: طبق گفتار پولس رسول، راز میلاد مسیح راز عید گذر را مهیا می سازد و فروتنی این طفل بیانگر قربانی و مرگ وی بر روی صلیب است، صلیبی که سرچشمه نجات ماست چنانکه پولس رسول می فرماید:

تو که از جوهر خدا هستی

با خدا برابر بودن را غنیمت نشمردی

خود را از مزایای آن محروم کرده

غلامی را پذیرفتی و به صورت انسان درآمدی

تو که به صورت انسان شکل یافتی

خویشتن را تا به مرحله مرگ فروتن ساختی، مرگ بر روی صلیب

خداوند تو را سرافراز نمود

و نامی را که مافوق همه نامهاست به تو بخشید

تا به نام و عظمت تو کلیه موجودات این دنیا و آن دنیا

اعم از زندگان و مردگان

زانو زده در پیشگام تو خم شوند

و هرزبانی اقرار کند که تو خداوندی

در شکوه خدای پدر تا ابدالابد. (فیلیپیان ۲: ۶-۱۱)

مریم در پایین جایگاه پسرش دراز کشیده و درباره فرزندش تعمق می کند، به همان گونه که کلیسا در طی قرونتمادی در تعمق مسیح فرو رفته است. بر پیشانی مریم ستاره ای است که سمبل سنتی باکره بودن وی می باشد زیرا که روح القدس بر او نزول کرده است، چنان که لوقا می گوید:

مریم به فرشته گفت: این چگونه می شود و حال آن که مردی را نشناخته ام. فرشته در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند از آن جهت آن مولود مقدس پسر خدا خوانده خواهد شد... مریم گفت: اینک کنیز خداوندم. مرا بر حسب سخن تو واقع شود. پس فرشته از نزد او رفت. (لوقا: ۱-۳۴-۳۸)

فرشته سمت چپ اعلام کننده مژده تولد مسیح به شبانان است در صورتی که فرشتگان دست راست مانند مجوسیانی که از شرق آمده بودند در حال تمجید طفل می باشند. بنابراین حضور جمیع طبقات در برابر مسیح گویای تمجید و قدردانی آفریدگان از خداوندی است که توسط مسیح محبت خود را به ما آشکار کرد.

بیائید عبادت خود را با عبادات خلقت و کلیسا با هم پیوند دهیم و همراه مریم که دعای خود را به نحوی بسیار شیوا ابراز می دارد، خداوند را سپاس گوئیم:

جان من خداوند را می ستایم

و روح من در نجات دهنده من خدا، به اوج شادی می رسد

چون او به کنیز ناچیز خود نظر لطف داشته است

از این پس همه نسل ها مرا مبارک خواهند خواند

زیرا آن قادر مطلق کارهای بزرگی

برای من انجام داده است

نام او مقدس باد

و رحمت او نسل بعد از نسل برای کسانی است که از او می ترسند

خداوند با بازوی توانایش

متکبران را با تصوراتشان تار و مار می کند

زورمندان را از تخت هایشان به زیر افکنده
و فروتنان را سرافراز کرده است
گرسنگان را از کلیه نعمتها بهره مند ساخته
و ثروتمندان را تهیدست روانه کرده است
به خاطر محبت پایدار خود
از بنده خود اسرائیل حمایت کرده است
همان طور که به اجداد ما

یعنی به ابراهیم و به اولاد او تا به ابد وعده داد. (لوقا: ۱-۴۶-۵۵)

چرا عید میلاد را در زمستان جشن می‌گیریم؟

سرآغاز زمستان مرسوم است که اعیاد زیادی را برگزار می‌کنیم. ما همراه با کلیسا میلاد فرخنده منجی مان عیسی مسیح را به یاد می‌آوریم. او اولین ظهور خود را به شبانان، مجوسیان، بعد هم به یحیی تعمید دهنده و بالاخره به رسولان در جشن عروسی قانا نشان داد:

«این معجزه که در قانای جلیل انجام شد

اولین معجزه عیسی بود

و او جلال خود را ظاهر کرد

و شاگردانش به او ایمان آوردند.» (یوحنا ۲:۱۱)

فاصله این اعیاد از یکدیگر فقط چند روز است. عید میلاد مسیح در ۲۵ دسامبر و عید ظهور وی به یحیی تعمید دهنده در ۶ ژانویه یعنی روزی که عیسی تعمید یافت. بنابراین این اعیاد یادآور وقایع تاریخی هستند که بین آنها سالهای زیادی فاصله بوده است. در حقیقت حضرت لوقا پس از یادآوری تعمید عیسی مسیح به دست یحیی تعمید دهنده، در انجیل مقدس خود می‌نویسد:

«وقتی عیسی مأموریت خود را شروع کرد حدود سی سال از عمرش

گذشته بود.» (لوقا ۳:۲۳)

بنابراین کلیسا در ظرف چند روز این دو واقعه را که از نظر تاریخی چندین سال فاصله داشته‌اند جشن می‌گیرد. چرا این اختلافات زمانی در تاریخ و اعیاد کلیسا پیدا می‌شود؟ با برگزاری میلاد مسیح در ۲۵ دسامبر در حقیقت واقعه‌ای تاریخی یعنی میلاد عیسی مسیح نجات دهنده خود را به خاطر می‌آوریم ولی درصدد دانستن تاریخ دقیق این واقعه نیستیم. البته این امر در مورد فرزندان ما فرق می‌کند و هر سال سالروز تولدشان را جشن

می‌گیریم. حقیقت مطلب این است که امروزه سال و روز تولد فرزندان خود را می‌توان دانست ولی در گذشته نه شناسنامه‌ای وجود داشت و نه پرونده‌ای که در آن تاریخ تولد کودکان را بنویسند به علاوه وقایع را با فصل‌های سال و تغییرات ماههای آن یادداشت می‌کردند و استفاده از سالنامه کامل اصلاً مقدور نبود.

امروزه هم در روستاها اگر از پیرمردی سالخورده تاریخ تولدش را پرسند قطعاً جز جوابی کاملاً تقریبی چیز دیگری از او نمی‌توان شنید. در دوره عیسی مسیح وضع به همین ترتیب بود. بدین جهت لوقا که تاریخ نویس ماهری بود، احتیاط را از دست نمی‌دهد به طوری که درباره مسیح می‌نویسد:

«حدود سی سال از عمرش گذشته بود.» (لوقا ۳:۲۳)

و در جای دیگر با بیان تاریخ تولد مسیح می‌نویسد:

«در آن نواحی شبانان در صحرا به سر می‌بردند

و در شب پاسبانی گله‌های خویش می‌کردند

ناگاه فرشته خداوند بر ایشان ظاهر شد

و کبریائی خداوند برگرد ایشان تابید.» (لوقا ۲:۸-۹)

طبق این متن می‌توانیم مطمئن باشیم که تولد عیسی مسیح در شب بوده است اما بعضی از دانشمندان به این مطلب توجه دارند که اگر این واقعه در ایامی که شبانان در صحرا به سر می‌بردند واقع شده پس در فصل زمستان نبوده است. حقیقت این است که زمستان در فلسطین بسیار سرد است و بدین سبب گوسفندانی که در خارج از آغل به سر می‌برند شب هنگام بازگردانده می‌شوند. بنابراین تنها اطلاعی که می‌توان از کتاب مقدس درباره تولد مسیح بدست آورد این است که تولد او در زمستان نبوده است ولی ما این عید را هر سال در فصل زمستان جشن می‌گیریم. کلیسا چگونگی این واقعه را به ما می‌گوید و آن را جشن می‌گیرد لیکن درصدد تعیین تاریخ این واقعه نیست.

اما حالا به چه دلیل تولد مسیح را در ۲۵ دسامبر جشن می‌گیریم و چرا

چند روز پس از ظهورش به یحیی تعمید دهنده به ستایش او می پردازیم؟ این تاریخ‌ها ربطی به سرگذشت و تقویم زندگی مسیح ندارند بلکه به اطلاعات تاریخی عهد جدید و به رسوم کسانی که کلیسا به آنها بشارت می داد مربوط می شوند. در امپراطوری روم قدیم مردم عادت داشتند که در اواسط زمستان جشن «آفتاب غالب» را برگزار کنند.

معنی این عید چیست؟ به طوری که می دانیم زمستان اول دی ماه (۲۱ دسامبر) شروع می شود و در حقیقت در این روز که فردای بلندترین شب سال است و در ایران شب یلدا نامیده می شود، خورشید در افق در پائین ترین نقطه قرار می گیرد و این روز اول زمستان است، سپس روزها به تدریج بلند می شوند و به نظر می رسد که خورشید بر شب غالب شده و تاریکی نمی تواند روشنائی را در کام خود بکشد. این سمبل بسیار زیبا است و ایرانیان باستان به اعتبار آیین میترائی (مهرپرستی) به پرستیدن آفتاب روی می آوردند و با برگزاری جشن های ملی و مذهبی که مبدل به عیش و عشرت و باده گساری و بدکاری می شد به افتخار پیروزی آفتاب شادی می کردند.

آیا نوایمانان مسیحی می توانستند در اعیاد مشرکین و جشن های باده گساری و شرابخوری آنها شرکت کنند؟ آیا اگر در این عید خانوادگی شرکت نمی کردند از شهر و دیار خود تبعید نمی شدند؟

کلیسا بدون این که این عیدها را از بین ببرد تصمیم گرفت به آنها معنی جدید و مفهومی مسیحی بدهد.

طبق انجیل و تأیید یوحنا رسول، کلیسا مسیح را چون نور حقیقی مسیحیان و آفتاب واقعی عدالت تمجید می کند:

«کلمه خدا نور حقیقی بود

که هر انسان را منور می گرداند

و در جهان آمدنی بود.» (یوحنا ۱:۹)

«من نور جهان هستم

هر که مرا پیروی کند

در تاریکی سرگردان نخواهد بود

بلکه از نور زندگی بهره مند خواهد شد.» (یوحنا ۸:۱۲)

عیسی مسیح خورشید واقعی ایمانداران است و ظهورش در دنیا پیروزی وی را بر تاریکی های گناه ما آشکار می سازد و بر طبق نبوت زکریا پدر یحیی تعمید دهنده:

«به سبب رحمت دلسوزانه خدای ما

نور از آسمان بر ما طلوع کرد

تا به آنانی که در تاریکی

و سایه موت ساکنند

روشنائی بخشد

و قدم های ما را به طریق آسایش

هدایت کند.» (لوقا ۱:۷۸-۷۹)

پس کلیسا معنی عید مشرکین را به صورت دیگری تغییر داد تا دیگر به پرستش آفتاب غالب نپردازند و نور واقعی ایزدی را در دنیای گناه خود جشن بگیرند. ظهورش به شبانان، به مجوسیان، به آخرین پیامبر عهد عتیق و به وسیله اولین گروه رسولان، به تمام خلقت و جمله انسانها اعلام شد.

اما کلیسا ضمن تغییر معنی و مفهوم این عید تاریخ آن را محفوظ نگاه داشت. در روم مهمترین روز عید بت پرستان مصادف با ۲۵ دسامبر بود و کلیسای غرب نیز همین روز را به عنوان میلاد عیسی مسیح جشن می گرفت. در اسکندریه و تمام کشورهای خاورمیانه، بزرگترین روز عید ۶ ژانویه بود و باز هم کلیساهای خاور نزدیک این روز را به عنوان روز ظهور نجات دهنده ما به آخرین پیامبر (یحیی تعمید دهنده) محترم و گرامی داشته جشن می گرفتند: روز تعمید، روزی که در آن بشارت و نبوتش آغاز گردید.

سرود عید میلاد از آئین مذهبی آرامنه

افتخار ماست که مادر مقدس خدا را سپاس گفته ستایش کنیم.
فرشته الهام بخش ندا کرده می گوید: از دوشیزه ای پارسا
نجات دهنده ای برای ما متولد شده «سرور باش و شادمان زیرا سرور
سروران با تو است».

ای مادر خدا، دوشیزه ازلی و ابدی که از کلمه لایتناهی باردار شدی و
خدائی را که خارج از تعریف و توصیف ماست به دنیا آوردی و در آغوش
خود هستی بی پایان را محفوظ و مصون از گناه داشتی، همواره شفیع جسم و
جان ما در پیشگاهش باش.

کلیسا در کمال افتادگی و فروتنی تو را مادر خدا می نامد زیرا آن
خدائی که کروبیان با دیدگان بسیار و تخت های آتشین و نیز سرافین شش
بال یارای نظر کردن بر او را نداشتند، تو او را در بطن ضلالت ناپذیر خود
بمانند کنیزی پرورش دادی و او را به شکل آدمی به دنیا آوردی، خدای
همه، کلمه غیر قابل تعریف که به خاطر نجات بخشیدن و رهائی دنیا و
زندگی و روح و روان ما از تو جسم گرفت.

ای مریم دوشیزه مقدس و پارسا و مادر خدا که قوت اعلی بر تو سایه
افکنده و از برکت نزول روح القدس تابناک و خیره کننده شده ای، تو که
باردار شدی و خالق همه موجودات و هستی را پرورش دادی و او را به
طرزی عجیب و غیر قابل توصیف به دنیا عرضه داشتی، در پیشگاه آن که از
تو جسم گرفت شفیع ما بندگان باش تا او جسم و جان ما را شفا بخشد.

افواج فرشتگان از آسمان نازل می گردند و نغمه خوان می گویند «این
است پسر خدا». همه با هم ندا سر داده بگوئیم: «آسمانها شاد باشید،
پایه های هستی از شادمانی به وجد و سرور در آئید: زیرا خدای جاودان بر
زمین و در میان مردم به منظور نجات روح و روان ما ظاهر شده است.»

خداوند در میان ما ظهور کرد

شمایلی که در صفحه روبرو ملاحظه می کنید بسیار قدیمی است و قدمت
آن تقریباً به ۸۰۰ سال پیش می رسد: متأسفانه در اینجا نمی توانیم طرح
اصلی آن را ارائه دهیم و تنها به طرح سیاه و سفید آن بسنده می کنیم. با آن
که تقریباً تمام شمایل ها رنگی و به طرز بسیار زیبایی نقاشی شده اند ولی
به هر حال این تصویر ناقص نیز می تواند ما را در فهم معنی و مقصود اصلی
عید میلاد یاری دهد. اصل این شمایل زیبا از انجیلی به زبان سریانی قدیم
اقتباس شده است. در کلیسای قدیم عادت بر این بود که برای تفسیر برخی
متون کتاب مقدس یا مفهوم اعیاد برای کسانی که سواد خواندن و نوشتن
نداشتند و نیز به منظور تجدید خاطرات و وقایع مذهبی به شمایل و نقاشی
متوسل می شدند. پس برای مطالعه شایسته شمایل ها باید بکوشیم به همان
طریقی که کلیسا آنها را از نظر حکمت یا واقعه ای مذهبی و دینی مورد
مطالعه قرار می دهد بنگریم و نیز در عین حال امکان آن را به خود بدهیم که
آن تصویر اثر محسوسی از خود در اعماق افکار و عقاید ما بر جای گذارد.

بخش فوقانی این شمایل نشان دهنده میلاد مسیح است و بخش تحتانی
تعمید عیسی به دست یحیی تعمید دهنده را نشان می دهد. در کنار هم قرار
گرفتن شمایل های مربوط به این دو واقعه از زندگی عیسی اتفاقی نیست:
کلیسای خاورمیانه در طی قرون اولیه عادت داشت که ضمن انتشار
تصاویری از حکمت و واقعه عید میلاد در قالب بهتر و وسیع تری جلوه ای از
آفریدگار به وسیله عیسی مسیح را نشان دهد: همین کلیسا تولد سرور ما و ظهور
راو به شبانان و مجوسیان را با شکوه و جلال وی در روز تعمیدش و نیز
ظهور اولین نشانه جلالش در جشن عروسی قانا را به هم مربوط می سازد:

«...جلال خود را ظاهر کرد

و شاگردانش به او ایمان آوردند.» (یوحنا ۲: ۱۱)



در تصویر زیرین نیز همان
علائم و نشانه‌ها به چشم
می‌خورد: آسمانی تیره که
نشانه بارگاه خدای بزرگی
است که برای ما
دست نیافتنی است ولی
درهای آسمان باز و دستی از
اعماق آن بیرون آمده که
مظهر لطف پدر و برکت

بی‌پایان اوست و کبوتر سفید نشانه روح القدس است که بر عیسی مسیح
قرار می‌گیرد. در بالای این کبوتر سفید کتیبه‌ای بسیار ریز و کوچک به
زبان سریانی دیده می‌شود که آن هم مؤید همان ندائی است که از آسمان
به گوش رسید همچنان که در انجیل آمده است:



«این است پسر حبیب من
که از او خوشنودم.» (متی ۳:۱۷)
آری درهای آسمان باز و
خداوند در میان ماست
(عمانوئیل) و عالم ملکوتی و
سماوی با ندای دلنشین بشارت
تولد مسیح، شکوه و جلال نوزاد
را سرداده است: باز هم به

قسمت بالا نظر کنیم، در سمت چپ فرشته‌ای حامل پیامی نو و مژده
نیکویی به شبانی است که با گله‌اش او را احاطه نموده‌اند در حالی که در
طرف راست فرشته دیگری با مجوسیان تاجدار که به دور او جمع شده‌اند
به گفتگو نشسته است. مجوسیان نماینده تمام ملت‌های بیگانه‌ای هستند

کلیساهای خاورمیانه همه این وقایع را از دیدگاه ظهور قطعی مسیح در
روز رستاخیز می‌نگرند: روح القدس ما را یاری می‌دهد تا وقایع زندگی
عیسی مسیح را که با رستاخیز خود به ما حیات جاودانی بخشیده درک
نمائیم. در اینجا به جزئیات این شمایل دقت کرده آنها را بررسی می‌کنیم.
کسانی که به زبان سریانی آشنائی دارند به خوبی می‌توانند در بخش
فوقانی شمایل جمله «میلاد مسیح» و در قسمت پائین نیز جمله «تعمید
سرور ما» را بخوانند.

قسمت بالا صحنه‌ای از تولد عیسی و مژده فرشتگان به شبانان و
پرستش مجوسیان را در بر می‌گیرد.



در بالای
تصویر، آسمان به
شکل نیم‌دایره‌ای
به رنگ آبی تیره
نقاشی شده و این
رنگ نشانه
حکمت‌اعلای
آفریدگار است که

عالمیان از درک آن عاجزند. اینجا جایگاه والای خالق یکتا است و
دسترسی به آن برای آدمیان غیرممکن می‌نماید. آیا بین این آسمان و زمین
خاکی ما ارتباطی وجود دارد؟ آیا راه باز است؟ یا بالعکس خداوند از
آدمیان دور است و آنها تنها مانده‌اند همچنان که در ایام غم و محنت
احساس تنهایی می‌کنند؟ ملاحظه کنید چگونه درهای آسمان گشوده شده و
ستاره‌ای درخشان با سه پرتو نورانی بر این طفل می‌تابد. به وسیله عیسی
مسیح راز پروردگار بر عالمیان آشکار گردید، حال خدا با ماست و ما را به
شرکت در زندگی سه‌گانه مقدس (پدر، پسر و روح القدس) دعوت می‌کند.



در قسمت فوقانی این
شمایل برخی جزئیات،
تعجب آور به نظر می رسند:
این طفل در آخور حیوانات
دراز نکشیده و نیز بر خلاف
تصور معمولی ما هیچ غاری هم
وجود ندارد. برعکس طفل
در وسط مربعی قرار دارد که

به صورت سنتی نمودار خلقت است و در بالای آن دایره ای است که مظهر
آسمان می باشد. طفل بر فراز بنائی آرمیده که قربانگاه را تداعی می کند.
از سوی دیگر با پارچه تیره رنگ قنداق شده که نمایانگر عزا و مصیبت
است و روی این قنداق ها صلیب های کوچکی نقش شده است و همین
نقش صلیب را در هاله شکوهمندی که گرداگرد سر طفل کشیده شده نیز
می بینیم. پس آن شادمانی که هم اکنون صحبت از آن بود کجاست؟ این
قربانگاه، قنداقی به رنگ عزا و صلیب های بی شمار برای چیست؟
چون همین طفلی که می گوئیم: «خدا در میان ما» اوست که به خاطر
گناهان و خطا کاری های ما بر صلیب مصلوب می شود: او بره ای است که
آماده قربانی شدن است یعنی نجات دهنده ما.

در شمایل تعمید عیسی نیز همین تعمق را می یابیم. خدا راز عیسی
مسیح را زمانی آشکار می کند که یحیی تعمید دهنده همان تعمیدی را به او
می دهد که به گناهکارانی که نزد او آمده اند. عیسی نیز در صف
گناهکاران ایستاده و خود را در ردیف مردمی می داند که خطای خود را
محکوم می کنند (رجوع کنید لوقا ۳: ۱-۱۵).

که برای شرکت در شادی و شادمانی این راز دعوت شده اند. در اطراف
طفل نیز دو فرشته دیگر با دستهایی پوشیده به نشانه پرستش دیده
می شوند که به ستایش و ثنای
عمانوئیل برخاسته اند:

«خدا را در اعلی علین جلال

و بر زمین سلامتی

و در میان مردمان رضامندی باد.»

(لوقا ۲: ۱۴)

در تصویر پائین نیز سه فرشته دیده می شوند که با احترام و با دستهای
پوشیده به ستایش و نیایش عیسی پرداخته اند.
ظهور خدای لایزال در میان ما حکمتی الهی توأم با سرور و شادمانی است و دیگر
ما آدمیان تنها و در اسارت گناهان خود نیستیم. خدا در میان ماست و ما را از
وبال و عصیان می رهاند و تمامی خلقت به مدح و ثنا خوانده شده اند چون که:

« کلمه جسم گردید

و میان ما ساکن شد...

و جلال او را دیدیم.» (یوحنا: ۱: ۱۴)

آری شادمان باشیم که خدا به صورت انسان در آمده تا آدمیان به مهر و محبت او
دست یابند. اگر باز هم در جزئیات این شمایل دقت کنیم حکمت پروردگار را
بهتر می فهمیم: این طفلی که از فرق سرش نور ربّانی پرتوافشانی می کند
کیست؟ و این انسانی که روح القدس بر وی نازل شده و درباره او از
آسمان ندا آمد که

«تو هستی پسر حبیب من» کیست؟

مشکوک و بیمناک و خوار و بی مقدار می بیند و می ترسد که این گرداب هولناک او را در کام خود فرو برد. در بیان این حقیقت به مزامیر داود توجه کنیم:

«رسن های موت مرا احاطه کرده
سیلاب های شرارت مرا ترسانیده بود
رسن های کور دور مرا گرفته بود
و دام های موت پیش روی من درآمده.» (مزمور ۱۸: ۴-۵)

«دست خود را از اعلی بفرست

و مرا رهانیده از آبهای بسیار خلاصی ده.» (مزمور ۱۴۴: ۷)

عیسی در آبهای مرگ فرو رفته، پسر خدا نه تنها خود را آن قدر پائین آورده که مانند فردی معمولی در میان مردم دیده می شود، نه تنها خود را در ردیف گناهکاران که جهت تعمید نزد یحیی تعمید دهنده آمده اند قرار می دهد، بلکه در مرگ ما نزول خواهد کرد و در خلوت خانه ترس و وحشت و در زندان دوزخ ما می آید تا ما را از این زندان خلاصی بخشد و نیروی بدی را از میان بردارد: عیسی است که می خواهد فرو رود تا در ورطه هلاکت و فنا ما را بجوید و نجات بخشد. در آن زمان که کلمه حق به هیئت طفلی درآمده بود و در آن زمان که خود را در زمره گناهکاران قرار می دهد و بالاخره در آن زمان که خود را در دریای مرگ و نیستی غوطه ور می گرداند در آن زمان است که شوکت و جلال و شهرت و اشتهار خداوندیش ظاهر می گردد. او خدای رهاننده و نجات بخش است.

از سوی دیگر اگر خطی از ستاره ای که بالای سر طفل قرار دارد تا نوک پای عیسی که در آب فرو رفته رسم کنیم، به خوبی متوجه خواهیم شد که تمثال چگونه بر این نزول تأکید دارد. نزول کلمه خدا از آسمان به زمین انسانها به صورتی طفلی ضعیف در میان ما و سپس در همان راستا نزول او تا به آبهای مرگ. در همین نزول است که جلال و شکوه راز او ظاهر



عیسی هم وارد آب شده است، آیا این عمل فقط به خاطر غسل و تطهیر است؟ مسیح گناهی ندارد. برای درک این مطلب باید به یاد داشته باشیم که در کتاب مقدس آب یا نماد خوبی برای هدیه زندگی است مانند تصویر سرچشمه ای در صحرای بی آب و علف یا سیلاب خروشان است که انسانها و منازل و مزارع آنها را در کام خود می کشاند و به دنیا آسیب می رساند: دریای خشمگین، نهر طغیانگر، سیل مهیب که همه چیز را ویران می کند. در برابر این طوفان شدید و واقعه شوم انسان خود را

می شود. او توسط صلیب خود می آید تا ما را در مرگمان بجوید و به وسیله قیام و رستاخیز مقدسش آزادی کامل و زندگی واقعی به ما عطا می فرماید، در نتیجه این شمایل معنی کاملی از راز زندگی عیسی مسیح به دست می دهد و این شعر زیبای پولس رسول را تأیید می کند:

امروز می خواهیم همراه کلیسا و همه مسیحیان جهان در پی عیسی قدم برداریم و در بین انسانها مانند او خود را کوچک و فدا سازیم. می خواهیم ناراحتی ها و اضطراب زندگی مردم را با خود و نیز مثل عیسی مسیح التیام بخشیم، ما که به فیض تعمید مبارک سرور و نجات دهنده خود رسیده ایم می توانیم با عیسی متحد شده و مددکار انسانها شویم و در دنیای محنت و مشقت آنها فرو رویم زیرا بدون یاری و عنایت او هیچ گاه قادر به انجام این مهم نخواهیم بود.

روح القدس که بر کلیسا سایه افکنده ما را به قوت عیسی زنده و حاضر همیشه یاری خواهد کرد.

«هر گاه خدا با ما است

کیست به ضد ما؟» (رومیان ۸-۳۱)

* * *
* *
*

«چون در صورت خدا بود
با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد
لیکن خود را فانی کرده
صورت غلام را پذیرفت
و در شباهت مردمان شد
و چون در شکل انسان یافت شد
خویشتن را فروتن ساخت
و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید
و از این جهت خدا نیز او را به غایت سرافراز نمود
و نامی را که فوق از جمیع نامهاست
به او بخشید
تا به نام عیسی
هر زانوئی از آن چه در آسمان
و بر زمین و زیر زمین است
خم شود و هر زبانی اقرار کند
که عیسی مسیح خداوند است
برای تمجید خدای پدر.» (فیلیپیان ۲: ۶-۱۱)